



شجاعت نظریه پردازی

راهاندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی در حوزه و دانشگاه

روشن است که اگر فضای علمی، نهادینه نشود، ما هرگز تولید نرم‌افزار علمی و دینی به قدر لازم نخواهیم داشت و بدون این نرم‌افزار، تداوم حکومت دینی در عصر تراکم نرم‌افزارهای غیردینی و ضددینی، بسیار مشکل و احياناً صوری خواهد شد. مناظره و نظریه‌پردازی در چارچوب محکمات اسلام و با رعایت اخلاق و منطبق علمی، یک ارزش دیرینه در فرهنگ اسلام و یک روال جاری در حوزه‌های علمیه بوده است و تاریخ فقه، اصول، کلام، تفسیر و فلسفه و سایر معارف دینی ما اعم از عقلی و نقلی، سرشار از مناظره و نظریه‌پردازی است و اصولاً مفاخر علمی حوزه، همواره با نقد نظریات دیگران زمینه رشد و شکوفایی یافته‌اند. اینک فرصت را مناسب می‌دانیم... راهنمایی و مساعدت بفرمایید تا شاید با یک بسیج عمومی... در حوزه و دانشگاه در جهت ایجاد «کرسی‌های آزاد علمی، با حضور هیئت‌های منصفه علمی و تخصصی و در محضر وجدان عمومی حوزه و دانشگاه، شاهد «طرح منطقی ایده‌ها» و رواج بازار «نظریه‌پردازی و نوآوری روشمند» و نیز «مناظره‌های علمی و قانونمند و نتیجه‌بخش و فارغ از غوغاسالاری» و «تهادسازی برای اجابت پرسش‌های جدید» و در نتیجه «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در حوزه و دانشگاه بیش از قبل باشیم.»

جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه

گفت‌وگوها و سپس تضمین بقای این فضای سالم و علمی برای مباحثه و گفت‌وگوست؛ زیرا آن‌گاه که تعادل در کار نباشد، جامعه علمی و فرهنگی ما در نوسان بین سکوت و هرزه‌گویی خواهد پژمرد. حوزه و دانشگاه برای رشد به فضایی دور از افراط و تفریط نیازمندند که در آن، از سوءظن و بدبینی و ضیق‌صدر و از کفرگویی و بی‌ادبی و حریم‌شکنی، خبری نباشد، فضایی باز و اسلامی که در آن نه به محض شنیدن فکر تازه، به یکدیگر تهمت و افترا بزنی و نه تحت‌عنوان نواندیشی، مرزهای حقیقت و فضیلت را برچینیم و ترک اصول کنیم. در این فضا است که تفاوت «اصول‌گرایی» با «تحریر» و تفاوت «نواندیشی» با «بدعت‌گذاری» روشن خواهد شد. جامعه دینی به «آزادی» بدون هرج و مرج و به «لرزش‌ناوری» بدون قشری‌گری، نیاز مبرم دارد و برای مبارزه با افراط و تفریط، بهترین و شاید تنها راه‌حل، همانا تعریض و تضمین مسیر «تعادل» است... آنچه امروز ضرورت فوری دارد، نهادینه کردن... گفت‌وگوهای شفاف و مستدل در همه قلمروهای علمی و دینی در دانشگاه و حوزه صورت گیرد به نحوی که... فرهنگ «مناظره و اجتهاد و تولید نظریه» را حمایت و هدایت و بلکه تشویق کند. بی‌شک فرهنگ تولید علم، یک فرهنگ ریشه‌دار اسلامی است که به جامعه دینی بالنده‌تر و حکومت دینی پیشروتر خواهد انجامید.

بخشی از نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه به رهبر فرزانه انقلاب «... اینک دهه سوم از یک انقلاب پیروز و یک حکومت جدید را تجربه می‌کنیم که علی‌رغم همه مدل‌های تحمیلی جهان، متولد شده است. گرچه پیشرفت‌های مهمی در ۲۴ سال گذشته، حادث شده و حوزه و دانشگاه، رشد غیرقابل انکاری داشته‌اند، اما روشن است که این مقدار، برای کاری که در پیش است و برای برداشتن موانع بعدی از سر راه نظام‌سازی و جامعه‌پردازی، هرگز کافی نبوده و این موجودی، در برابر سیل ترجمه و هجوم رسانه‌ای غرب و کمیت بالای تولید و تبلیغ آن در حوزه فکر، اخلاق، حقوق، حکومت و در فرهنگ زندگی، خانواده و اقتصاد و حتی روش تغذیه و لباس، به قدر کافی، کاری از پیش نخواهد برد و در درازمدت، برخی دستاوردهای پیشین نیز با خطر ارتجاع به فرهنگ وابستگی پیش از انقلاب، مواجه خواهد بود. تنها راه پیش پای ما، ارتقای کمیت و کیفیت در تولید فکر و علم در حوزه و دانشگاه است و تا وقتی که «تولید» بر ترجمه و تکرار و نیز «اجتهاد» بر تقلید، فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی هم‌چنان قهقریایی خواهد ماند و امت اسلام و ملت ایران علی‌رغم همه فداکاری‌ها در صحنه تمدن، فرودست خواهند بود. یکی از عوامل اصلی زمینه‌ساز برای تولید علم و نظریه و نهضت نرم‌افزاری، همانا سالم‌سازی

من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب سکوت و جمود با گرداب هرزه‌گویی و کفرگویی، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر یک از این دو، باید به دام دیگری افتاد.

پاسخ رهبر فرزانه انقلاب

فرزندان و برادران عزیز

با همه مضمون نامه شما موافقم... این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشاند و همین که این عزم و بیداری و خودآگاهی در نسل دوم حوزه و دانشگاه نیز بیدار شده است همین که این نسل از افراط و تفریط، رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در جمود و تحجر و نه در خودباختگی و تقلید، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد که شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول، اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه بیدار شود... خود، فی‌نفسه یک پیروزی و دستاورد است... آری، نباید از آزادی ترسید و از مناظره گریخت و نقد و انتقاد را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی، تبدیل کرد. چنانچه نباید به جای مناظره، به جدال و مراء، گرفتار آمد و به جای آزادی، به دام هتاکی و مسئولیت‌گریزی لغزید. آن روز که سهم آزادی، سهم اخلاق و سهم منطق... همه یک‌جا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است. ... من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب سکوت و جمود با گرداب هرزه‌گویی و کفرگویی، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر یک از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آن‌که انقلاب اسلامی آمد تا هم فرهنگ خفقان و سرجنابیدن و جمود و هم فرهنگ آزادی بی‌مهاری و خودخواهانه‌گری را نقد و اصلاح کند و فضایی بسازد که در آن، آزادی بیان، مقید به منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران و نه به هیچ چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت، تعادل، عقلانیت و انصاف، سکه رایج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها

فعال و برانگیخته گردند... اما متأسفانه گروهی به دنبال سیاست‌زدگی و گروهی به دنبال سیاست‌زدایی، دائماً تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب‌گونه یا تلاطم گرداب‌وار، می‌خواهند تا در این بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تربیون، بتوانند تاثیرگذار و جریان‌سازی باشند و سطح تفکر اجتماعی را پایین آورده و همه فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسایند... در چنین فضایی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعوی‌ها، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می‌گردد، هیچ فکری تولید و حرف تازه‌ای گفته نمی‌شود، عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای دیگر تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نجبگان خویش‌اند، دچار انفعال و عقب‌گرد می‌شوند...

به نظر می‌رسد، هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل ۱. «کرسی‌های نظریه‌پردازی» ۲. «کرسی‌های پاسخ به سوالات و شبهات» و ۳. «کرسی‌های نقد و مناظره» روش‌هایی عملی و معقول باشند... باید تولید نظریه و فکر، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود... باید ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند... پیشنهاد می‌کنم این ایده‌ها تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند، بلکه در کلیه علوم و رشته‌های نظری و عملی (حتی علوم پایه و علوم کاربردی و...) و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه‌سازان در این علوم و در فنون و صنایع نیز چنین فضایی پدید آید... اینجانب با چنین طرح‌هایی همواره موافق بوده‌ام و از آن حمایت خواهم کرد. از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت مراجع بزرگوار و محترم و با همکاری و مشارکت اساتید و محققین برجسته حوزه، برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر

موضوعات تحقیق و تالیف دینی، و نیز فعال کردن نهضت پاسخ به سوالات نظری و عملی جامعه، تدارک چنین فرصتی را ببینند. از شورای محترم انقلاب فرهنگی نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز دوران خلاقیت و تولید در عرصه علوم و فنون و صنایع و به ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای این کار بزرگ به تدریج فراهم گردد و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند... والله المستعان.

۱۳۸۱ / ۱۱ / ۱۶

